

بنام خداوند جان و خرد کزین اندیشه برتر نگذرد

بخش سوم : مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

پیامبر در دریافت وحی، ابلاغ آن و تبیین و تفسیر مفاهیم وحی یک وظیفه نبوی داشتند که به حکم این وظیفه مرجعیت دینی بر عهده ایشان بود که ایشان به واسطه دارا بودن این مسئولیت مصون از هر گونه خطا و اشتباه بودند.

مقام دیگر پیامبر ولایت بود، و سرپرستی و تدبیر امور عامه مسلمانان بود.

باور شیعه بر این هست که پیامبر دو مسئولیت خویش را که در واقع تبیین وحی و ولایت و زعامت و ریاست عامه بود را به امامان معصوم به ودیعت نهادند و دوران امامت با رحلت حضرت رسول آغاز شد.

مهدویت و غیبت امام عصر

سؤال: در زمان غیبت امام زمان چه باید کرد؟

بنابر مبانی کلامی و عقلی شیعیان، امامان معصوم در بحث دوران غیبت کوتاهی نکرده‌اند. استدلال ما این که بر مبنای حکمت بر پیامبر واجب بوده که امر امامت و جانشینی خود را رها نکرده و جانشینی برای خود انتخاب کنند و ایشان این کار را کردند و به تبع ایشان امامان معصوم عقلاً می‌بایست در رابطه با جانشینی خودشان این کار را می‌کردند که این کار انجام شد. امر جانشینی از دو بعد معقول و منطقی است :

۱- اگر امامی تعیین نمی‌شد این کار باعث هرج و مرج می‌شد.

۲- آنها حداقل شرایط عمومی پانشینان خودشان و امام آخر را عنوان کردند.

جانشینی امامان

چه کسانی شرایط و استعداد جانشینی امامان را در زمان غیبت دارا هستند؟

شواهد تاریخی و حدیثی بر اندیشه ی ولایت و جانشینی

۱- اگر پیامبر در میان مسلمانان نباشد وظیفه آنها چیست؟

۲- نیاز مردم به احکام و دستورات اجتماعی و فردی

۳- اراده فطری پیامبر

۴- استقلال تدوین رهبری به وسیله نفیگان دینی

۵- فقیهان کسانی هستند که در دین اجتهاد می کنند، امانتداران پیامبر هستند

جانشینی امام (ادامه)

سیره امامان معصوم (ع) در نهادینه کردن اندیشه جانشینی فقهان

مثال ۱: امام حسین (ع) در خطبه ای طولانی عالمان دینی را مورد خطاب قرار داده اند و آنها را از عاقبت طلبی نهی فرموده اند و به برپایی حکومت حق فراخوانده اند و فرمودند: بدانید که مجاری امور به دست عالمان الهی است که امین حلال و حرام خداوندند؛ در صورتی که این مقام از شما گرفته شده است. اگر در راه خدا تحمل به خرج دهید زمام امور خداوند به شما باز می گردد که از لطف شما اجرا شود، و شما مرجع کار مردم باشید.

مثال ۲: امام باقر و امام صادق (ع) با تأسیس اولین دانشگاه فقه، معارف و علوم تجربی را پایه گذاری کردند و شاگردان برجسته ای از این دانشگاه بیرون آمدند که آنها به عنوان مصادیق و نمونه هایی از جانشینان ائمه معرفی شدند.

امام صادق (ع) زواره به عنوان فقیه ترین فرد در زمان خود معرفی کرده بودند و فرمودند اگر زواره نبود، احادیث پدرم از بین می رفت.

ائمه افرادی را تأیید می کردند و می فرمودند اینها جانشینان ما هستند و در غیاب ما مرجعیت دارند.

ولایت و مرجعیت فقها در عصر غیبت

بحث ولایت و مرجعیت فقها ناظر بر دو بعد است :

۱- مرجعیت دینی فقها

۲- رهبری و زعامت سیاسی آنها

در بحث مرجعیت دینی، ما باید به افرادی مراجعه کنیم که نزدیکترین افراد از نظر علمی و عملی به امامان معصوم باشند.

افرادی جامع این شرایط هستند که در زمینه معارف اهل بیت، معارف اسلام تحقیق و بررسی کرده‌اند و به اقتضای رسیده‌اند.

رهبری و نیابت سیاسی و اجتماعی مردم در زمان (امامان) بر عهده پانزدهمین فاضلی نهاد می‌شود.

ولایت فقیه (ادامه)

با تکیه بر آراء و نظریات علماء شیعه که منبعث و متکی بر روایات اهل بیت است ما به این نظریه ولایت می‌رسیم که از همان ابتدا شیخ مفید که نزدیکترین فقیه به دوران غیبت صغری بوده است حکومت جامعه را از سلاطین زمان نفی فرموده بودند و ایشان را از فقیهان جامع شرایط می‌دانستند.

جمع بندی : ولایت از آن خداست پس از آن نبی و پس از پیامبر اکرم به امام علی (ع) تا امام دوازدهم می‌رسد و در زمان غیبت امام زمان، به نزدیکترین فرد به امامان می‌رسد که همان فقیه جامع‌الشرایط و مجتهد است.

در قرن حاضر معروف‌ترین نظریه (در باب ولایت) از آن امام راحل است که ایشان فقیه را دارای ولایت مطلقه و عامه می‌دانند.

مفاهیم ولایت فقیه

واژه ولایت ناظر بر پنج معنا است :

۱- حب و دوستی

۲- نصرت و یاری رساندن

۳- متابعت و پیروی

۴- سلطنت ، پیرگی و اشراف

۵- رهبری

ولایتی که در مورد فقیه به کار برده می شود به معنای زمامداری و سرپرستی است

اقسام ولایت

۱- ولایت تکوینی : یعنی سرپرستی موجودات جهان و عالم قارچ و تصرف عینی در آنها

مثال : ولایت نفس بر قوای درونی خویش

ولایت تکوینی حقیقی و واقعی بر همه موجودات از آن خداست.

۲- ولایت بر تشریع : یعنی ولایت کسی که حق قانونگذاری دارد

این نوع ولایت هم حق اختصاصی خداوند هست که قانونگذار واقعی بر اساس تفکر ما

خداوند هست. که در مواردی این حق قانونگذاری را به پیامبر داده است.

۳- ولایت تفسیری : یعنی ولایت و سرپرستی امور در مشروطه و پارلمون قانون الاهی

ولایت تدبیری

بنابر آیات و روایات در دو مورد ولایت بر تدبیر وجود دارد:

۱- ولایت بر مهجوران

۲- ولایت بر جامعه فرامندان: به معنای تدبیر در امور جامعه مسلمین

ولایت فقیه ناشی از یک ضرورت اجتماعی است.

در نهج البلاغه امام علی (ع) فرمودند: «لَا بُدَّ لَكُلِّ قَوْمٍ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»

(هر گروهی باید یک سرپرستی داشته باشد می‌خواهد خوب باشد یا بد باشد)

اسلام برای سرپرستی شرایطی ذکر کرده است که مهم‌ترین آن فقاقت است به آن ولایت فقیه گفته می‌شود.

ولایت فقیه از جنس و سنخ ولایت بر مهجوران نیست بلکه ولایت مدیریتی بر خردمندان امت اسلامی است.

فقیه کیست؟

منظور از فقیه: مجتهد جامع‌الشرایط است: فقیه جامعه‌الشرایط که در عین اینکه شرایط

عمومی مثل عقل و ایمان را داراست باید سه ویژگی مهم را هم داشته باشد.

۱- اجتهاد مطلق: یعنی فقیه در هر مسئله‌ای بتواند اجتهاد کند یعنی یک اسلام‌شناس کامل باشد.

۲- عدالت مطلق: دارای صفت عدالت باشد یعنی نه تنها در عقل نظری کامل است در عقل عملی هم کامل باشد.

۳- قدرت مدیریت و رهبری: شرط دیگر فقیه جامع‌الشرایط این است که در کنار اجتهاد و عدالت از یک بینش کامل و صحیح سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد و بتواند بر کارهای اجرایی مسلط شود و عالم به زمانه باشد.

در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داریم درباره ویژگیهای رهبر چنین آمده است: صلاحیت لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه؛ عدالت و تقوای لازم، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت و مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

دلایل عقلی ولایت فقیه

برای اثبات ولایت فقیه دو دلیل عمده داریم :

• دلیل عقلی

• دلیل نقلی

امام خمینی معتقد است ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می‌شود و به برهان احتیاج ندارد.

برای اثبات عقلی ولایت فقیه دلایلی ذکر شده که می‌توان به برخی آنها اشاره کرد :

• جامعه نیازمند قانونی است که منشاء و حیانی داشته باشد.

• قوانین الهی به نحوی صحیح و شفاف باید برای مردم تبیین شود.

• تنها افرادی می‌توانند در اجرای صحیح قوانین دینی و تبیین آنها نقش

صحیحی را ایفا کنند که دارای مقام عصمت باشند و پس از اینها کسانی که در

زمان غیبت بتوانند درک صحیح و درستی از منابع و حیانی داشته باشند.

دلایل نقلی ولایت فقیه

در حدیثی از امام صادق (ع) رسیده است که در پاسخ به این پرسش که آیا در مسائل و اختلافاتی که نیازمند داور و قضا است، می‌توان به سلطان (حاکم غیر دینی) و قضاوت منصوب او از سوی او رجوع کرد؟ ایشان مراجعه به آنان را رجوع به طاغوت دانستند و به شدت از آن منع کردند.

در روایاتی از پیامبر داریم که می‌فرماید :

اللهم ارحم خلفائي. **فرايا پانشینان مرا مورد رحمت خویش قرار ده.**

راوی یک حدیث کسی است که قدرت تعلیم و تفسیر و استنباط داشته باشد.

رسول خدا افزون بر نبوت دارای سه منصب دیگر بودند که عبارتند از :

۱. تفسیر و تبلیغ آیات خدا ۲. قضاوت و رفع خصومت ۳. زمامداری و تدبیر جامعه

امام عصر (ع) در پاسخ به نامه یکی از یاران خود درباره وظیفه شیعیان در رویدادها و حوادثی که پیش می‌آید، می‌فرماید :

أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم

در رویدادهایی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان هجت من بر شما

هستند و من هجت فرا بر آنانم

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.